

تشکیلاتی

سلسله فیروازات تشکیلاتی پایگاه مضماری

اخلاق کار تشکیلاتی

در سیره

حضرت امام خمینی (ره)



بستری برای به اشتراک گذاشتن مطالب ناب تشکیلاتی

www.mezmar.ir

@mezmar_ir



مقدمه

سؤال: تشکیل یک حکومت اسلامی، طبیعتاً کار ساده‌ای نیست؛ نیاز به نیروهای قوی انسانی دارد، تا با تکیه به همین افراد، بشود گفت که حکومت اسلامی را برپا کنیم. آیا در ابتدا این افراد در نظر حضرت امام بودند و حضرت امام افرادی را در نظر داشتند؟ یاران اصلیشان در آن زمان چه کسانی بودند؟

پاسخ: در هنگامی که امام مبارزه را شروع کردند، من نمیتوانم بگویم که مثلاً در سالهای چهل و یک و چهل و دو ایشان کادرهای لازم را داشتند؛ لیکن امام کادرسازی میکردند. شما توجه دارید که امام یک فرد جا افتاده علمی در حوزه علمیه قم بودند و اطراف ایشان را جمعی از جوانان لایق و مؤمن احاطه کرده بودند. با قشرهای دیگر هم ایشان ارتباط داشتند. امام با پیامهای خود، با بیانهای خود، به معنای حقیقی کلمه، انسانها را تربیت و تصحیح میکردند؛ هم تربیت فکری، هم تربیت روحی و اخلاقی. یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریت یا دوره علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدفها را خوب بفهمند، راهها را خوب تشخیص دهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند. این با تربیتهای مداوم انجام می‌گیرد. این کاری بود که به طور طبیعی در مجموعه امام و به‌وسیله آن بزرگوار انجام میشد؛ نه در کلاس درس بخصوصی، بلکه با برخوردها، با رفتارها، با پیامها و با اصلاحها. ولی از این مهمتر، امام یک کادرسازی

در سطح ملت کردند. کادرسازیهای امام هم، غیر از کادر سازیهای حزبی بود. احزاب میشینند اشخاصی را به طور خاص تربیت میکنند، برای این که مثلاً فلان شغل و فلان کار را به اینها بدهند؛ اما امام جوانان را تربیت میکردند و به آنها روحیه خودباوری میدادند. از اول هم امام روی جوانان تکیه بخصوصی داشتند و همین هم شد.^۱

من و چند تن از دوستانم که از سال ها پیش فعالیتهای اجتماعی سیاسی بر مبنای اسلام را به عنوان یک واجب بزرگ و فریضه بزرگ تلقی می کرده ایم، مکرر وقتی دور هم می نشستیم و اوضاع و احوال را تجزیه و تحلیل می کردیم و وظایف را برمی شمردیم و نیروهایمان را ارزیابی می کردیم، به این نتیجه می رسیدیم که نیروهای مؤمن مخلص مسلمان در جامعه ما فراوانند و جامعه ما یک منبع بسیار پرارزش از نیروهای نهفته است و انبار و خزانه و گنجینه نیروهاست. ولی این نیروها یکدیگر را درست نمی شناسند و به حد کافی از وجود یکدیگر خبر ندارند. به طوری که اجمالاً می دانیم، جامعه ما جامعه ای است پرنیرو؛ اما وقتی دست به هر کاری می زنیم، در همان قدم های اول و دوم می بینیم نیرو کم داریم. آب در خانه هست، ولی ما تشنه لب می گردیم. وقتی

^۱ بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز

هم شناسایی می کنیم، باز قدرت سازمان و سامان دادن و تجربه تشکیلاتی مان کم است. گاهی می بینیم نیروها انباشته شده اند و کار زیادی هم انجام نمی گیرد. بنابراین، به روشنی به این نتیجه می رسیدیم که دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می کردیم که ایجاد تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام، از واجبات اساسی هر انسان متعهد آگاه مسلمان است.^۲

بیاید انقلابی باشیم، از گذشته ها هم می گذرم، انتظاری ندارم که کسی در گذشته انقلابی گری خود را ثابت کرده باشد، بیاید از امروز ما انقلابی باشیم، من حاضرم، اگر شما هم حاضرید بسم الله. بیاید از نظر اخلاقی معیارهای اسلامی را اجرا کنیم. از نظر فداکاری، همه وجود خود را برای خدا و مردم بدانیم و همه مصالح خود را فدا کنیم. از نظر زندگی، همه تعلقات مادی حیات زندگی اشرافی، اسراف بازی، تجملات و همه زرق و برق زندگی را فراموش کنیم و با درویشی و علی وار زندگی کنیم. بیاید کار کنیم، فداکاری کنیم، شعار ندهیم، تهمت نزنیم. عقب ماندگی خود را سرکوفت به دیگران نزنیم، به جای آنکه خود را مواخذه کنیم، دیگران را متهم نماییم.^۳

^۲حزب جمهوری اسلامی، شهید بهشتی، صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵

^۳شهید مصطفی چمران، گرفته شده از تارنمای باز چمران (www.bazchamran.ir) به نقل



جزوه ای که پیشرو دارید، سومین جزوه از سلسله جزوات «دین تشکیلاتی» است که توسط پایگاه مضممار آماده شده است. این جزوه حاصل گردآوری مطالب بیان شده پیرامون اخلاق تشکیلاتی در صحبت های اسوه و الگوی کار تشکیلاتی در جامعه ما یعنی حضرت امام خمینی (ره) است. چیزی که به نظر گام اول تولید محتوا در این زمینه است؛ چراکه انسان با توجه به داشته ها و شناسایی نیاز هایش فرآیند تولید را انجام می دهد و مطالب بیان شده در این نوشته داشته های ماست که باید با دل و جان به آن ها توجه کنیم و سعی در عملی کردن آن نماییم.

لازم به ذکر است که موضوع اخلاق تشکیلاتی در نگاه سایر اسوه های تشکیلاتی چون امام خامنه ای (مدظله العالی)، شهید بهشتی (ره)، امام موسی صدر و سایر بزرگان در شماره های بعدی «دین تشکیلاتی» ارائه خواهد شد.

باشد که با کسب اخلاق تشکیلاتی اصیل مبتنی بر آموزه های اسلامی، مسیر تحقق تمدن مهدوی را هموار نماییم. انشاءالله.

بخش اول: سیره نظری امام خمینی (ره)

یکتا موعظه خدا را با دل و جان بشنو

پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست و دست و پا برای به دست آوردن مقام هر چه باشد - چه مقام معنوی و چه مادی - مزین به عذر آنکه می خواهم به معارف الهی نزدیک شوم یا خدمت به عبادالله نمایم: که توجه به آن از شیطان است چه رسد که کوشش برای به دست آوردن آن. یکتا موعظه خدا را با دل و جان بشنو، با تمام توان بپذیر و در آن خط سیر نما: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ

تَقْوَمُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى».^۴

میزان در اول سیر، قیام الله است هم در کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت های اجتماعی. سعی کن در این قدم اول موفق شوی که در روزگار جوانی آسان تر و موفقیت آمیزتر است. مگذار مثل پدرت پیر شوی که یا درجا زنی و یا به عقب برگردی. و این محتاج به مراقبه و محاسبه است.^۵

خطر نفوذ در مردم پیش از خود سازی

بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید، مهذب سازید. اگر اکنون که فارغ البال می باشید در مقام اصلاح و تهذیب نفس برنیایید، آن روز که اجتماع به شما روی آورد دیگر نمی توانید خود را اصلاح نمایید.^۶

تا ریش سفید نشده کاری کنید؛ تا مورد توجه مردم قرار نگرفته اید فکری به حال خود نمایید. خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می بازد؛ خود را گم می کند. قبل از آنکه عنان اختیار از کف

^۴سوره سبأ، آیه ۴۶: به یک سخن پندتان دهم (و آن) این که دو تن دو تن و تک تک برای خدا قیام کنید...

^۵ سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحه ۴۸

تجهاد اکبر، امام خمینی، صفحه ۲۱

شما ربوده شود خود را بسازید و اصلاح کنید. به اخلاق حسنه آراسته شوید؛ رذایل اخلاقی را از خود دور کنید؛ در درس و بحث اخلاص داشته باشید تا شما را به خدا نزدیک سازد. اگر در کارها نیت خالص نباشد، انسان را از درگاه ربوبی دور می‌کند. طوری نباشد که پس از هفتاد سال وقتی نامه عمل شما را باز کنند ببینند، العیاذ باللّه، هفتاد سال از خداوند عز و جل دور شده‌اید.^۷

برای اصلاح جامعه قدم بردارید

بعضیها فقط در صددند چند کلمه یاد بگیرند و بروند در محل خود، یا جای دیگر، دستگاه، جاه و مقامی به چنگ آورند و با دیگران دست و پنجه نرم کنند! طوری نباشد که از اوّل نظر و هدف شما از تحصیل گرفتن فلان مسند و به دست آوردن فلان مقام باشد، و بخواهید رئیس فلان شهر یا آقای فلان ده گردید. ممکن است به این خواسته‌های نفسانی و آرزوهای شیطانی برسید، ولی برای خود و جامعه اسلامی جز زیان و بدبختی چیزی کسب نکرده‌اید. معاویه هم مدت مدیدی رئیس بود؛ ولی برای خود جز لعن و نفرت و عذاب آخرت بهره و نتیجه‌ای نگرفت.

لازم است خود را تهذیب کنید که وقتی رئیس جامعه یا طایفه‌ای شدید،

آنان را نیز تهذیب نمایید. برای اصلاح و ساختن جامعه قدم بردارید؛ هدف شما خدمت به اسلام و مسلمین باشد. اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می‌سازد: «انَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۸ شما در راه خدا زحمت بکشید، فداکاری کنید، خداوند شما را بی اجر نمی‌گذارد؛ اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد. اگر جزا و پاداش شما را در این عالم نداد چه بهتر. دنیا چیزی نیست. این هیاهوها و شخصیتها چند روز دیگر به پایان می‌رسد، مانند خوابی از جلو چشم انسان می‌گذرد، لکن اجر اخروی لا یتناهی و تمام نشدنی خواهد بود.^۹

خدمت به مظلومان

از امور مهمی که لازم است وصیت نمایم اعانت نمودن به بندگان خدا خصوصاً محرومان و مستمندان که در جامعه ها مظلوم و بی پناهند. هر چه توان داری در خدمت اینان که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت ها به خدای تعالی و اسلام عزیز است به کار بر و هر چه توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن.^{۱۰}

^۸سوره مریم، آیه ۹۶؛ خدای رحمان کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، محبوب همه گرداند.

^۹جهاد اکبر، امام خمینی، صفحه ۲۴ و ۲۵

^{۱۰}سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحه ۴۲

خلوص نیت مقدمه عمل صالح

شما اگر نیت خود را خالص کنید، عمل خود را صالح نمایید، حبّ نفس و حبّ جاه را از دل بیرون کنید، مقامات عالیه و درجات رفیعه برای شما تهیه و آماده می‌باشد. مقامی که برای بندگان صالح خدا در نظر گرفته شده، تمام دنیا و مافیها، با آن جلوه‌های ساختمانی، در مقابل آن به قدر پیشیزی ارزش ندارد. بکوشید به چنین مقامات عالیه برسید. و اگر توانست، خود را بسازید و ترقی دهید تا آنجا که به این مقامات عالیه و درجات رفیعه هم بی‌اعتنا باشید؛ و خدا را برای رسیدن به این امور عبادت نکنید، بلکه چون سزاوار عبادت و کبریایی است او را بخوانید و در مقابل او سجده کرده سر به خاک بسایید. آن وقت است که «حجب نور» را پاره کرده به «معدن عظمت» دست یافته‌اید. آیا شما با این اعمال و کرداری که دارید، با این راهی که می‌روید، به چنین مقامی می‌توانید دست یابید؟^{۱۱}

حب نفس منشأ خوش آمدن و بد آمدن

باید توجه کنیم که منشأ خوش آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادات و شایعه افکنی‌ها حبّ نفس است که بزرگترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند گرچه برای ما افعال شایسته و خوبی‌های خیالی را صد چندان جلوه دهند، و درهای انتقاد

^{۱۱}جهاد با نفس، امام خمینی، صفحه ۵۵ و ۵۶

- گرچه به حق - برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگویی درآید. از عیب جویی‌ها، نه برای آن که به ناحق است، افسرده می‌شویم و از مدحت و ثناها، نه برای آن که به حق است، فرحناک می‌گردیم. بلکه برای آنکه عیب من است و مدح من نیست، [من] است که در اینجا و آنجا و همه جا بر ما حاکم است. اگر بخواهی صحت این امر را دریابی، اگر امری که از تو صادر می‌شود عین آن یا بهتر و والاتر از آن از دیگری، خصوصاً آنها که هم ردیف تو هستند صادر شود و مداحان به مدح او برخیزند برای تو ناگوار [باشد]، و بالاتر آنکه اگر عیوب او را به صورت مداحی درآورند [و تو از این امر ناراحت شوی]، در این صورت یقین بدان که دست شیطان و نفس بدتر از او در کار است.^{۱۲}

ریشه همه اختلافات

ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حب دنیا برمی‌گردد. و اگر در میان شما هم چنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حب دنیا را از دل بیرون نکرده‌اید. و از آنجا که منافع دنیا محدود می‌باشد، هر یک برای به دست آوردن آن با دیگری به رقابت برمی‌خیزد. شما خواهان فلان مقامید، دیگری نیز همان مقام را می‌خواهد، قهراً منجر به حسادت و برخورد می‌گردد. لیکن مردان خدا، که حب دنیا را از دل بیرون کرده‌اند، هدفی جز خدا ندارند، هیچ‌گاه

^{۱۲} سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحات ۳۴ و ۳۵

با هم برخورد نداشته چنین مصایب و مفاسدی به بار نمی‌آورند. اگر تمام پیامبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند، هرگز با هم دویت و اختلاف نخواهند داشت؛ زیرا هدف و مقصد یکی است؛ دلها همه متوجه به حق تعالی بوده از حب دنیا خالی است.^{۱۳}

بلای شهرت طلبی

آنچه همه را مطمئن القلب می‌کند و آتش فروزان نفس سرکش و زیاد طلب را خاموش می‌نماید وصول به اوست، و ذکر حقیقی او - جل و علا- چون جلوه اوست، استغراق در آن آرامش بخش است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۱۴} گویی فرماید: توجه توجه! به ذکر او فرو رو، تا قلب که سرگشته و حیرت زده از این سو به آن سو و از این شاخه به آن شاخه پرواز می‌کند، طمأنینه حاصل کند. ای فرزند عزیزم! که خداوند تو را با ذکر خود مطمئن القلب فرماید نصیحت و وصیت پدر سرگشته و حیرت زده ات را بشنو و به این در و آن در برای رسیدن به مقام و شهرت و آنچه مورد شهوات نفسانیه است مزین که به هرچه بررسی از نرسیدن به مافوق او متأثر می‌شوی و حسرت بالاتر را می‌بری و ناراحتی روحیت افزون می‌شود.^{۱۵}

^{۱۳}جهاد با نفس، امام خمینی، صفحه ۳۰

^{۱۴}سوره رعد، آیه ۲۸؛ آگاه باشید که یاد خدا آرام بخش دلهاست.

^{۱۵}سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحات ۳۶ و ۳۷

پرهیز از گوشه گیری و کل^{۱۶} بر جامعه بودن

... [مبادا] خود را از خدمت به جامعه کنار کشی و گوشه گیر و کل^{۱۶} بر خلق الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا درویشان دکان دار. سیره انبیاء عظام (صلی الله علی نبینا و علیهم اجمعین) و ائمه اطهار (علیهم السلام) که سرآمد عارفان بالله و رستگان از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوی علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعونهای زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنجهای برده و کوششها کرده اند به ما درسها می دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه گشایمان خواهد بود: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»^{۱۷}.

نه گوشه گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه های آنهاست. چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر با آنچه مناسب اوست چون: خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگ بینی و تحقیر خلق الله و شرک خفی و امثال آنها او را از حق دور و به شرک می کشاند. و چه بسا متصدی امور حکومت که

^{۱۶} به معنای آویزان

^{۱۷} اصول کافی، شیخ کلینی، جلد ۳، صفحه ۲۳۸؛ کسی که صبح کند (یعنی زندگی روزانه را شروع کند) و به امور مسلمانان اهتمام نوردد مسلمان نیست.

با انگیزه الهی به معدن قرب حق نائل می شوند چون داود نبی و سلیمان پیامبر (علیهما السلام) و بالاتر و بالاتر چون نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خلیفه برحقش علی بن ابی طالب (علیه السلام) و چون حضرت مهدی (ارواحنا لمقدمه الفداء) در عصر حکومت جهانی^{۱۸}.

درک محضر ربوبی کلید پرهیز از رذایل

اگر، خدای نخواست، خواستید به کسی جسارت کنید، اهانت نمایید، مرتکب غیبت شوید، بدانید که در محضر ربوبی هستید؛ مهمان خدای متعال می باشید، و در حضور حق تعالی به بندگان او اسائه ادب می کنید؛ و اهانت به بنده خدا اهانت به خداست. اینان بندگان خدا هستند؛ خصوصا اگر اهل علم بوده در صراط علم و تقوی باشند. گاهی می بینی که انسان به واسطه این امور به جایی می رسد که در وقت مرگ خدا را تکذیب می کند! آیات الهی را منکر می گردد «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاؤُا السَّوَاىَ اَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ»^{۱۹} این امور بتدریج واقع می شود. امروز یک نظر غیر صحیح، فردا یک کلمه غیبت، و روز دیگر اهانتی به مسلمان و ... کم کم این معاصی در قلب

^{۱۸} سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحات ۴۶ و ۴۷

^{۱۹} سوره روم، آیه ۱۰؛ آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد).

انباشته می‌گردد، و قلب را سیاه کرده انسان را از معرفه‌الله باز می‌دارد؛ تا به آنجا می‌رسد که همه چیز را انکار کرده حقایق را تکذیب می‌نماید.^{۲۰}

اگر انسان یقین کند و ایمان بیاورد که تمام عوالم ظاهر و باطن محضر ربوبی است و حق تعالی در همه جا حاضر و ناظر است، با حضور حق و نعمت حق امکان ندارد مرتکب گناه شود. انسان در مقابل یک بچه ممیز گناه نمی‌کند، کشف عورت نمی‌نماید، چطور شد که در مقابل حق تعالی و در محضر ربوبیت کشف عورات می‌کند، از هیچ جنایتی واهمه و مضایقه ندارد. برای این است که به حضور کودک ایمان دارد، ولی به محضر ربوبیت اگر علم داشته باشد ایمان ندارد؛ بلکه بر اثر کثرت معاصی که قلب او تاریک و سیاه شده این گونه مسائل و حقایق را اصلاً نمی‌تواند بپذیرد؛ احتمال صحت و واقعیت آن را هم شاید نمی‌دهد. واقعا اگر انسان احتمال بدهد- لازم نیست یقین داشته باشد- که این خبرهایی که در قرآن کریم آمده، وعده‌ها، وعیدهایی که داده شده راست است، که در اعمال و کردار خود تجدید نظر نموده، این طور افسار گسیخته و بی‌پروا پیش نمی‌تازد. شما اگر احتمال بدهید که در مسیری درنده‌ای وجود دارد و ممکن است اذیتی به شما برساند، یا شخص مسلحی ایستاده که شاید متعرض شما گردد،

^{۲۰}جهاد با نفس، امام خمینی، صفحه ۴۲

از پیمودن آن راه خودداری ورزیده توقف می‌کنید، و در مقام تحقیق و صحت و سقم آن برمی‌آیید^{۲۱}.

ترسیدن از عذاب الهی

بترسید از اینکه، خدای نخواستہ، از رحمت و عنایت الهی محروم گردید و مورد خشم و غضب و عذاب او واقع شوید. مبدا اعمال شما، کردار و گفتار شما، طوری باشد که توفیقات را از شما سلب کند و جز خلود در نار برای شما راهی نباشد. شما الان یک سنگ گرم را نمی‌توانید دقیقه‌ای میان کف دست نگهدارید؛ از آتش جهنم پرهیزید. نفاقها، را از قلب خود دور کنید. با خلق خدا حسن سلوک داشته، نیکو معاشرت کنید؛ و با نظر عطف و مهربانی به آنان بنگرید. البته با گناهکار به خاطر عصیان و طغیانش خوب نباشید، و کار زشت و نادرست او را به رخس بکشید و او را از آن نهی کنید، ولی از هرج و مرج، آشوب و بلوا، خود را بر حذر دارید. با بندگان خوب و صالح خدا نیکي کنید. آنان را که عالم‌اند به خاطر علمشان، کسانی را که در صراط هدایت‌اند به خاطر اعمال نیکشان، و آنان را که جاهل و نادان‌اند چون بندگان خدای‌اند، احترام نمایید؛ خوشرفتاری کنید؛ مهربان باشید؛ صداقت و برادری داشته باشید. مهذب شوید. شما می‌خواهید جامعه‌ای

^{۲۱} جهاد با نفس، امام خمینی، صفه ۴۹ و ۵۰

را تہذیب و ارشاد کنید، کسی کہ نتواند خود را اصلاح و اداره کند چہ گونه می‌خواهد و می‌تواند دیگران را راهنمایی و اداره نماید؟^{۲۲}

تکالیف شیطنی

گاهی شیطان برای انسان تکالیف و وظایفی تعیین می‌نماید؛ گاهی هواها و خواسته‌های نفسانی بہ اسم وظیفہ شرعی انسان را بہ کارهایی وا می‌دارد. این وظیفہ شرعی نیست کہ کسی نسبت بہ مسلمانی اہانت کند؛ از برادر دینی بدگویی نماید. این حب دنیا و حب نفس است؛ این تلقینات شیطان است کہ انسان را بہ این روز سیاه می‌نشانند؛ این تخاصم تخاصم اہل نار است «إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُّمُ أَهْلِ النَّارِ»^{۲۳} در جہنم نزاع و خصومت وجود دارد؛ اہل جہنم نزاع و دعوا می‌کنند، بہ ہم پنجه می‌زنند. اگر شما بر سر دنیا دعوا دارید، بدانید کہ برای خود جہنم تہیہ می‌کنید و رو بہ جہنم می‌روید. امور اخروی دعوا ندارد. اہل آخرت با ہم در صلح و صفا هستند؛ قلبہایشان مملو از محبت خدا و بندگان خداست. محبت بہ خدا موجب محبت بہ کسانی است کہ بہ خدا ایمان دارند؛ محبت بندگان خدا همان ظل محبت خداوند است؛ سایہ محبت اللہ می‌باشد^{۲۴}.

^{۲۲}جہاد با نفس، امام خمینی، صفحہ ۳۵ و ۳۶

^{۲۳}سورہ ص، آیہ ۶۴؛ این منازعہ اہل آتش دوزخ محقق و حتمی است.

^{۲۴}جہاد با نفس، امام خمینی، صفحہ ۳۱ و ۳۲

بخش دوم:

مروری اجمالی بر سیره عملی امام خمینی (ره)

رهبر به درد بخور برای مردم

حضرت حجت الاسلام والمسلمین احمد آقا (فرزند امام) می گوید:
در ماجرای جنگ، یک روز بعداز ظهر حدود ساعت هفت تا هشت،
موشک به اطراف جماران اصابت کرد. خدمت امام رفتم عرض کردم:
اگر یک مرتبه یکی از این موشک های ما به کاخ صدام بخورد و صدام
طوری بشود، ما چقدر خوشحال می شویم، اگر موشکی به نزدیکی
های این جا بخورد و سقف این جا پایین آید و شما یک طوری بشوید

چه؟

امام در پاسخ فرمود: «والله قسم بین خودم و آن پاسداری که در سه راه بیت است، هیچ امتیازی و فرقی قایل نیستم، والله قسم اگر من کشته شوم یا او کشته شود، برای من فرقی نمی کند». گفتم: می دانیم شما این گونه هستید، اما برای مردم فرق می کند.

امام فرمودند: «نه، مردم باید بدانند که اگر من در یک جایی بروم که بمب پاسداران اطراف منزل مرا بکشد و مرا نکشد، من دیگر به درد رهبری این مردم نخواهم خورد، من زمانی می توانم به مردم خدمت کنم که زندگی ام مثل زندگی مردم باشد. اگر مردم یا پاسداران یا کسانی که در این محل هستند طوری شان بشود، بگذار به بنده هم بشود تا مردم بفهمند همه در کنار هم هستیم».

گفتم: پس تا کی می خواهید این جا بنشینید؟ به پیشانی مبارکشان اشاره کردند و فرمودند: «تا زمانی که موشک به این جا بخورد»^{۲۵}.

زندگی کردن مثل همه مردم

حجت الاسلام سید محمد باقر حجتی می گوید: یک بار که توفیق یافتم به دست بوسی امام تشریف حاصل کنم، آن جناب در سرمای سوزان در رواق کوچک خانه خود، روی یک صندلی کهنه نشسته بودند و سرمای آزار دهنده جماران دست و صورت ایشان را تقریباً از سرخی

^{۲۵} سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحه ۶۷

به کبودی متمایل ساخته بود.

علت را جویا شدم که «چرا وسیله گرم کننده ای در این سرمای سخت و فضای باز نزد ایشان گذاشته نمی شود؟» پاسخ شنیدم که امام می خواهند با مردم هم درد باشند، و به نمونه ای از این مواسات اشاره کردند که وقتی لباس امام را به بیت برای شستشو داده بودند ولی شسته نشده بود، علت را که پرسیدند پاسخ شنیدند: هنوز نوبت دریافت کوپن پودر رختشویی برای بیت نرسیده است و پس از رسیدن، شسته می شود.^{۲۶}

شانه خالی نکردن از وظیفه

یکی از خدمتگزاران جمهوری اسلامی می گفت: خدمت امام رسیدم و عرض کردم من از کار کردن خسته شده ام، کارهایم خیلی زیاد است و توان انجام آنها را ندارم، اگر ممکن است دیگری را به جای من نصب کنید تا من کمی استراحت کنم.

امام در پاسخ من فرمودند: «اگر بناست کسی دست از کار بکشد و از وظیفه شانه خالی کند من از شما اولی هستم چون با این سن پیری و خستگی فراوان بیشتر نیاز به آسایش دارم» من شرمند شدم و دیگر حرف نزد.^{۲۷}

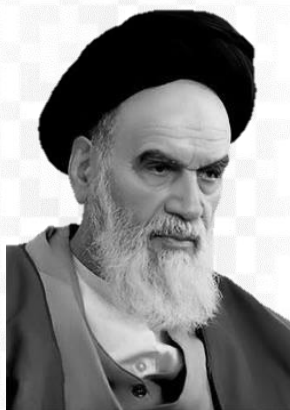
^{۲۶} سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحه ۶۸

^{۲۷} سیره ی آفتاب، توصیه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره)، صفحه ۱۲۵

از جوانی تا هشتاد سالگی

من یقین دارم، آن پیرمرد نورانی، معنوی، عالم، زاهد و عارف که این انقلاب با دست توانای او بنا، غرس، آبیاری و میوه چینی شد، اگر در جوانی، آن راز و نیازها و آن عبادتها، تفکرها و توسلها را نداشت و آن دل مؤمن و نورانی در او پدید نمی‌آمد، این کارهای بزرگ از او صادر نمی‌شد. مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تهرانی که از علمای بسیار مؤمن، زاهد و خالص بود و در مشهد، بسیاری ایشان را می‌شناختند، نزدیک سی سال پیش از این، به بنده گفت: «من در جوانی برای تحصیل به قم رفتم و آن زمان، امام را در حرم مطهر دیدم. نمی‌شناختم ایشان کیست. دیدم که یک سید طلبه جوان و نورانی در حرم ایستاده، تحت الحنک را انداخته، نماز می‌خواند و اشک می‌ریزد و تضرع می‌کند.» حاج میرزا جواد آقای تهرانی می‌گفت: «من او را نشناخته، مجذوبش شدم و از بعضی پرسیدم این آقای نورانی کیست؟ گفتند این آقا روح‌الله خمینی است. وقتی آقا روح‌الله، در دوره جوانی، آن سرمایه و ذخیره را پدید می‌آورند، آن وقت در سن هشتاد سالگی، امام و بنیانگذار حکومت جمهوری اسلامی می‌شوند»^{۲۸}.

^{۲۸}بیانات مقام رهبری در دیدار با جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۹/۱۶



بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید، مهذب سازید.
اگر اکنون که فارغ البال می‌باشید در مقام اصلاح و تهذیب نفس بر نیایید، آن
روز که اجتماع به شما روی آورد دیگر نمی‌توانید خود را اصلاح نمایید.



#با_ما_همراه_باشید...

MEZMAR.IR